

متون دینی زرتشتی و محیط زیست: نقش انسان در آبادانی زمین و طبیعت^۱

پروانه عروج نیا

عضو هیأت علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ایران

لیلا هوشنگی^۲

استادیار دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

به نظر می‌رسد که ریشه بحران‌های زیست محیطی کنونی را باید در نگرشی جست که انسان به طبیعت، جهان مادی و به تعبیر امروزی محیط زیست داشته است. با نظر به حضور همه جانبه دین در تمامی عرصه‌های زندگی در جوامع سنتی پیشین، بدیهی است که در فهم چگونگی ارتباط انسان و طبیعت، و در نتیجه رفتار او در هر سنت دینی، باید به آموزه‌ها و تعالیمی که عمده‌تاً در متون دینی بازتاب یافته و مجموعه گزاره‌های معنوی آنها را شکل بخشیده است توجه داشت. در این پژوهش در نخستین سروده‌های زرتشت، گاتها و نیز در متون متاخر/اوستا، همچنین در دیگر متون مهم زرتشتیان از جمله دینکرد، مینوی خرد و شایست و ناشایست به بررسی اهمیت آبادانی زمین و تأکید بر مراقبت و کوشش در حفاظت از آب، گیاهان و حیوانات پرداخته می‌شود تا با واکاوی روابط انسان و طبیعت در این متون و احکام و مقرراتی که مستقیم و یا غیرمستقیم می‌تواند در محیط زیست تأثیر بگذارد، تصویری کلی از نوع مواجهه مزدیسنان با طبیعت نشان داده شود. علاوه بر این، با توجه به رویکردهای مختلف درباره رابطه دین، هم به طور کلی و هم مصداقی، در تعالیم زرتشتی با مسائل و مباحث زیست محیطی تلاش شده تا با نگاهی نو در این متون و نیز با نظر به دیدگاهی که دین زرتشتی درباره جهان و هستی دارد، چگونگی تأثیر عملکرد دینداران بر محیط زیست و نحوه تلقی انسان دیندار در این خصوص بحث شود.

کلید واژه‌ها

متون دینی زرتشتی، محیط زیست، انسان، طبیعت، آبادانی زمین، عناصر طبیعی، تقدس.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۰

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): lhoosh@alzahra.ac.ir

مقدمه

در چند دهه اخیر که بحران محیط زیست از منظرهای مختلف بررسی شده است، عمدتاً درباره جایگاه دین، دو منظر رایج را می‌توان سراغ گرفت.^۱ از یک منظر، عده‌ای جدایی دین از زندگی دنیوی را مهم‌ترین عامل بروز بحران‌های زیست محیطی می‌دانند، در این نگرش دین عامل حفظ محیط زیست به شمار می‌آید و انسان دیندار خود را موظف به حفظ و آبادانی طبیعت می‌داند. به بیانی دیگر بحران زیست محیطی تبلور خارجی بیماری و رنجی درونی است که انسان مدرن را به ستوه آورده است، انسانی که برای به دست آوردن زمین از آسمان روی گرداند، به جای آسمان به زمین اصالت داد و اکنون زمین را هم دقیقاً به دلیل نداشتن آسمان از دست می‌دهد.^۲ در این دیدگاه هرآنچه انسان در قبال طبیعت انجام می‌دهد، برآمده از نظام فکری وی درباره طبیعت و عناصر طبیعی است.^۳ از این‌رو، بوم‌شناسی انسانی^۴ به شدت تحت تأثیر باورهای دینی درباره ماهیت انسان و طبیعت است. از منظری دیگر، دین را عامل استثمار طبیعت به دست انسان می‌دانند. دین شناسان در نحوه مواجهه دین با جهان مادی و طبیعت، ادیان را به دو دسته تقسیم می‌کنند. در دسته اول میان انسان و جهان مادی هیچ جدایی و دوگانگی لحاظ نمی‌شود، در حالی که در دسته دوم گونه‌ای دوگانگی یا ثنویت به صورت روح- ماده یا نفس- بدن مطرح است که آنها را مقدس و نامقدس تلقی می‌کند و قائل به جدایی تام آنهاست. ادیان ابتدایی و ادیان شرقی

۱. در تقسیم‌بندی دیگری که چندان رایج نیست، از منظری خاص ادیان به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شود: ۱. ادیان ملل باستان ۲. ادیان قومی با اقتصاد معیشتی ۳. ادیان آسیای شرقی و جنوب شرقی ۴. ادیان توحیدی یهود- مسیحیت و اسلام. معیار این دسته‌بندی اقتصاد حاکم بر این جوامع و تأثیر آن بر نحوه مواجهه ادیان با محیط زیست است. نک:

Tanner, R., and Mitchell, C., *Religion and the Environment*, London, 2002, pp.19-20.

۲. نصر، سیدحسین، «دین و بحران محیط زیستی»، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، نقد و نظر، ش ۱ و ۲، سال ۵، صص ۷۷-۷۸.

3. Tucker, M. E., & Grim, J., "Religions of the World and Ecology", *Earth Ethics*, no.1, Fall, 1998, p.xxv.

۴. بوم‌شناسی شاخه‌ای از زیست‌شناسی است که زندگی گیاهان و جانوران را در محیط نشو و نما بررسی می‌کند و بوم‌شناسی انسانی علمی است که انسان را در رابطه با محیط زیست مورد تحقیق قرار می‌دهد.

در دسته نخست، و ادیان غربی یا سامی در دسته دوم می‌گنجد.^۱ دین زرتشت در دسته ادیان غیرسامی قرار می‌گیرد، ولی لزوماً میان انسان و جهان هم یکسان‌انگاری دیده نمی‌شود.

از منظر نخست که در آن دین دارای کارایی مثبت برای بحران محیط زیست به شمار می‌آید، دو رویکرد مطرح است. در رویکردی نه چندان غالب، با تأکید بر حفظ فرهنگ بومی و آزادی‌های مذهبی، ایجاد زمینه مناسب برای احیا و حفاظت از فرهنگ دینی جوامع توصیه می‌شود. به این ترتیب، دین با تأکید بر دنیای طبیعی، امکان حفاظت از محیط زیست را فراهم می‌آورد.^۲

در رویکردی که غالب است، دین می‌تواند در مقام بحثی نظری و هم عرض علوم دیگر لحاظ شود و برای رفع بحران‌های زیست محیطی در ارتباط تنگاتنگ با دیگر حوزه‌های نظری مانند اقتصاد، آموزش، علوم تجربی، سیاست‌های عمومی عمل کند. شاید دیدگاه ماکس وبر، جامعه‌شناس شهیر آلمانی را بتوان در این باره گویا دانست. او بر این باور است که برای درک کنش انسان‌ها باید به معنای ذهنی آنها توجه کرد. از این رو، برای بحث درباره چرایی و چگونگی روابط انسان با طبیعت در عصر حاضر ضروری است مبنای پژوهش خود را مفاهیم ذهنی انسان قرار دهیم. بدین ترتیب، دین در کانون این نظام اندیشه قرار می‌گیرد.^۳

در جهان غرب تعدادی از الهی‌دانان مسیحی درباره رابطه میان دین و نظم طبیعت تجدید نظر کرده‌اند. آرنولد توین بی، مورخ برجسته قرن بیستم، بر این باور است که ادیان سامی بیش از حد انسان را عزیز شمرده و به وی تعلیم داده‌اند که خداوند جهان را برای او

۱. نک: محقق داماد، مصطفی، «الهیات محیط زیست»، نامه فرهنگستان علوم، سال ۶، ش ۳۰، ۱۳۸۰ش، ص ۱۵؛

نیز:

Mohaghegh Damad, M., *A Discourse on Nature and Environment from an Islamic Perspective*, Tehran, 2000.

2. Gillespie, A., *International Environmental Law Policy and Ethics*, Oxford, 1997.

۳. نک: کوزر، لویس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۲۷۹؛

گودرزی، محسن، نامه فرهنگ، بهار ۱۳۷۰، ش ۳، ص ۳۴.

آفرید و این خود موضوع موجب بهره‌گیری بی‌رویه از طبیعت شده است. لین وایت^۱ ریشه‌های این بحران را در طرز تفکر یهودی-مسیحی می‌داند که بر طبق آن انسان بر روی زمین حق حکومت و تسلط را دارد. پیشینه این نگرش انسان‌مدارانه و تحکم‌آمیز، به سفر «تکوین» به ویژه به بند ۲۸ از باب اول آن باز می‌گردد: «و خدا ایشان (آدم و حوا) را برکت داد و بدیشان گفت: بارور شوید و تکثیر شوید، زمین را پر سازید و برآن تسلط یابید، بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان و همه جانوارانی که بر روی زمین زندگی می‌کنند سروری کنید».^۲ به نظر وی، الگوی مالکیت انسان‌ها را از طبیعت جدا ساخته است و بر اساس انگاره ثنوی روح و ماده، عملاً روح باید بر ماده، و انسان باید بر طبیعت حکومت کند. در حالی که پیش از غالب شدن سنت یهودی-مسیحی، انسان‌ها به نحوی در هماهنگی با زمین می‌زیستند، زیرا چنین باور داشتند که ارواح در حیوانات، درختان و جویبارها ساکن‌اند و در نتیجه مقدس‌اند. اما در زمان فعلی تحت تأثیر ثنویت مسیحی، حیوانات وحشی و همه عالم گیاهان به نوعی غیر جاندار و مرده انگاشته می‌شوند.^۳ از نظر وایت تا زمانی که این باور که طبیعت هیچ فلسفه وجودی جز خدمت به انسان ندارد، طرد نشود، بحران‌های زیست محیطی روز به روز وخیم‌تر می‌شوند. از این‌رو، نمی‌توان با تکیه بر علم و فناوری بیشتر محیط زیست را از تخریب حفظ کرد. او معتقد است که برای حفظ محیط زیست یا باید دین جدیدی یافت و یا در دین قدیمی خود بازنگری کرد.^۴

اما منتقدان وایت برخلاف وی بر این باورند که در خدامحوری ادیان ابراهیمی، خداوند خالق و نگهدار زمین است. بنابراین، مراقبت از محیط‌زیست، مراقبت از چیزهایی است که به خداوند تعلق دارد. اگر چه در ادیان ابراهیمی انسان با بقیه مخلوقات تفاوت دارد، اما به دلیل مسؤولیتش در قبال خداوند، نسبت به محیط زیست مسؤولیتی خاص را

۱. وایت (۱۹۰۷-۱۹۸۷) استاد تاریخ قرون وسطی در دانشگاه‌های پرینستون، استنفورد و کالیفرنیا بود و از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۵۸ ریاست کالج میلز در اوکلاهما را بر عهده داشت.

۲. لین وایت در سال ۱۹۶۶ طی مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های تاریخی بحران زیست محیطی ما» نظریه‌ای را ارائه کرد که بعدها در سال ۱۹۷۶ در نشریه *Science* به چاپ رسید.

۳. کامستوک، گری ال. ترجمه انشاء الله رحمتی، «خدا باوری و اخلاق زیست محیطی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۲۵، فروردین ۱۳۸۷، صص ۶۰-۶۵.

4. White, 2001, p.16.

نیز بر عهده دارد. از این رو، انسان برای تصمیم‌گیری درباره محیط زیست، باید پیامدهای ممکن برای سایر موجودات زنده را نیز در نظر بگیرد.

این در حالی است که ادیان غیر سامی، از جمله دین زرتشتی این باور را ترویج می‌کردند که گیتی دارای روان و یا جان است، و حتی بخش‌هایی از آن به سبب تأثیر مهمی که در حفظ حیات انسان دارد، مقدس تلقی می‌گردد. به نظر می‌رسد که چنین رویکردی نوعی حق به سایر موجودات می‌دهد تا هم حیات خود را حفظ کنند و هم آسایش داشته باشند.^۱ در این دیدگاه چون انسان را مرکز عالم، و همه چیز را خلق شده برای او در نظر نمی‌گیرند، به انسان اجازه داده نمی‌شود تا هر گونه دخل و تصرفی در آن را حق خود بداند و در نتیجه مجال بیشتری برای حفظ محیط زیست فراهم می‌شود. در دین زرتشتی در جریان برگزاری آداب و مناسک مذهبی رابطه‌ای مستقیم با عالم طبیعت و عناصر کیهانی برقرار می‌شود. این نحوه تلقی و ارتباط فراتر از آموزه‌ها و تعالیم نظری است و در اعمال و شعائر تجسم می‌یابد، چنانکه برای نمونه زمین را شیء تلقی نمی‌پندارند و نمی‌پرسند که زمین چیست، بلکه برای آن شخصیت قائل‌اند و آن را در سلسله مراتب فرشتگان جای می‌دهند، در نتیجه پرسش این گونه طرح می‌شود که زمین کیست.^۲

۱. اما گاه این روانداری شامل همه موجودات نمی‌شد، و گاهی حتی موجودات رواندار و مقدس نیز به سبب تقدسشان قربانی می‌شدند.

۲. به تعبیر هانری کربن: «در این جا ما باید پدیده زمین را به صورت نوعی تجلی فرشته درک کنیم»؛ نک: نصر، سیدحسن، ص ۷۶. در بیانی امروزی و به زبان اخلاق، ما علاوه بر این که مسؤولیت‌ها و وظایف مستقیمی نسبت به انسان‌ها داریم، وظایف غیر مستقیمی نیز در قبال غیر انسان‌ها و محیط زیست در سطح گسترده داریم. نک: *Ecological*, P., "Anthropocentrism with a Human Face", *Economics*, vol.24, 1998, p.162

آلدو لئوپولد، محقق معاصر، در این رابطه نظریه‌ای را با عنوان «اخلاق زمین» ارائه می‌دهد که در آن مراد از کل اجتماع، همه جانداران و اشیا از جمله زمین است که باید با آن اخلاقی رفتار کرد. از این زاویه نقش انسان از یک فاتح به عضوی ساده در زمین تغییر می‌کند و مستلزم رعایت حقوق زمین است (نک: لئوپولد، آلدو، *زیست بوم محوری: اخلاق زمین در اخلاق زیست محیطی*، ویراستار لوئی پ. پویمان، ترجمه محمد قائد، تهران، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۳۶۶).

طبیعت در متون دینی زرتشتی

ستایش طبیعت و یا عناصر طبیعی که از ویژگی‌های مهم ادیان کهن است، به معنای اعلام بندگی و پرستش به درگاه آنهاست. اما در دین زرتشت، دست‌کم در «گاهان»^۱ زرتشت مراد خدا دانستن پدیده‌ها و یا عناصر طبیعی نیست، بلکه به معنای بزرگداشت و احترام و رعایت پدیده‌هایی است که در حیات موثراند و به نوعی انسان با این ستایش‌ها حقی را که این عناصر در زندگی او و بقای جهان دارند، به خود یادآور می‌شود و از همه مهم‌تر ستایش خدای متعال نیز به شمار می‌آید.^۲ در سینا نیز می‌خوانیم: «این آبها و زمین‌ها و گیاهان را می‌ستاییم، این جاها و روستاها و چراگاه‌ها و خانمان‌ها و آبشخورها را می‌ستاییم، اهورا مزدا دارنده این روستاها را می‌ستاییم».^۳

همچنین در کنار این ستایش، امور معنوی همچون نیکی و خوبی و راستی‌ای - که اهورامزدا انسان را بدان رهنمون گردانیده بود نیز ستوده می‌شد و نیز ستایش و درود به روانها و فروهرهای^۴ انسان‌ها نیک و پاک فرستاده می‌شد: «اینک اهوره مزدا را می‌ستاییم شهریاری و بزرگواری و آفرینش زیبای او را می‌ستاییم که گیتی و اشه^۵ را بیافرید... او و فروشی‌های اشون مردان و اشون^۱ زنان را می‌ستاییم».^۲

۱. گات در زبان اوستایی و گات/گاس در زبان پهلوی و گاه در زبان پارسی به معنای سرود و جمع آن گاتها/گائها و یا گاهان است. گاهان کهن‌ترین بخش کتاب *اوستا* و عبارت از ۱۷ سروده‌ای است که از دیرباز از سخنان زرتشت دانسته می‌شده است. *گاتها، کهن‌ترین بخش اوستا*، به گزارش براهیم پور داوود، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸ش، صص ۶۱-۶۶.

۲. «همه آبهای چشمه ساران و آبهای روان و رودها را می‌ستاییم. تنه و ریشه همه گیاهان را می‌ستاییم. سراسر زمین را می‌ستاییم. سراسر آسمان را می‌ستاییم. همه ستارگان و ماه و خورشید را می‌ستاییم. سراسر انیران را می‌ستاییم. همه جانوران آبی، زیرزمینی و پرنده و رونده و چرنده را می‌ستاییم. یسنه، هات ۷۱، بند ۹.

۳. هات ۶، بند ۱۵.

۴. در *اوستا* «فروشی»، در پارسی باستان «فرورتی»، در پهلوی و در ادبیات زرتشتیان «فروهر» یکی از قوای باطنی انسان است که پیش از تولد انسان وجود داشته و پس از مرگ او دگر بار پاک به عالم بالا می‌رود. همه موجودات دارای فروهر هستند و از سوی خداوند برای نگهبانی آنها به زمین آمده‌اند. هینلز، جان، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، ۱۳۶۸ش، ص ۵۹.

۵. این واژه در پارسی باستان آرد تلفظ می‌شد و در *اوستا* و بویژه در گاهان بسیار به کار رفته است. زرتشت در گاهان تنها راه رسیدن به بارگاه خدایی را راه اشه می‌داند. بیشتر معنای آن را «راستی» یا «فرمان به کار

این گونه است که ستایش پدیده‌های طبیعی، محتوا و هدف غالب جشن‌های زرتشتیان را شکل می‌بخشد و به معنای توجه دادن به اهداف آفرینش و یادآوری وظیفه فرد دیندار در برابر همه جهان، و در یک کلام برانگیختن انسان برای نوعی شکرگزاری عملی در برابر طبیعت است. از سوی دیگر بر اساس *اوستا*، مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه هر فرد دیندار راستی و نیکوکاری و آبادانی جهان است. البته از این دیدگاه تنها در پرتو راستی و نیکوکاری، آبادانی جهان تحقق می‌یابد.^۳

بدین ترتیب آبادانی جهان خواست اهورامزدا و نیز زرتشت است و برای انسان پاداش اخروی در پی دارد، زیرا این جهان زشت و شر تلقی نمی‌گردد، بلکه جهانی «زیای باور» و «خرمی بخش» است که آفریده اهورا به وساطت سپنته مینو (خرد مقدس) است و از این رو پارسایان آن را همواره آبادان می‌خواهند. در *اوستا* آبادانی این جهان حتی هدف رسالت زرتشت دانسته شده است. بر اساس گاهان، برانگیخته شدن زرتشت به دنبال ناله و

نیک» دانسته‌اند. اما به نظر می‌رسد معنی دقیقتر آن با توجه به خویشکاری امشاسپند اردیبهشت نظم الهی و قانون اخلاقی است که اهورا مزدا وضع کرده است. هینلز، جان، ص ۵۲.

۱. اشون به معنای پیرو راستی، درستی و پاکی و موافق قانون ایزدی در *اوستای* گاهان و هم در *اوستای* نو به کار رفته است. پورداد، ابراهیم، یسنا، بمبئی، ۱۹۳۸م، ج ۱، ص ۲۴۰. همچنین به معنای مقدس و به عنوان صفت برای اهوره مزدا و ایزدان در *اوستای* نو، نک: ونیداد، فرگرد سوم، بند یکم.

۲. گاتها، ج ۱، هفتن یشت بزرگ، یسنا ۳۷، کرده ۳، بندهای ۱-۳، ص ۱۱۹؛ قس یسنا، سروش درون، هات ۵، بند ۱.

۳. «آن کس که در پرتو اشته (راستی) بهترین خواست زرتشت ساختن جهانی نو را برآستی برآورد، پاداش زندگی جاودانه سزاوار اوست و در این جهان زیای بارآور نیز هر آنچه را دلخواه اوست، بدست خواهد آورد». یسنا، هات ۴۶، بند ۱۹.

۴. «تویی پدر سپندمینو (خرد مقدس)، تویی که این جهان خرمی بخش را برای او بیافریدی و بدان رامش بخشیدی و آنگاه که او (زمین و جهان) با منش نیک همپرسگی کرد، آرمیتی را به راهبری و آبادانی آن برگماشتی. یسنا، هات ۴۷، بند ۳. ترجمه پورداد: ای مزدا تویی پدر مقدس این خرد. ای کسی که جهان شادمانی بخش آفریدی و پس از مشورت با منش پاک به توسط آرمیتی (فروتنی و بردباری و سازگاری) به آن صلح و مسالمت دادی. گاتها، ج ۱، هات ۴۷، بند ۳، ص ۱۰۱.

فغان روان جهان (گوشورون) به درگاه اهورامزدا از ویرانی و تباهی بود.^۱ خداوند نیز زرتشت را برانگیخت تا جهان را از ویرانی و تباهی نجات دهد و آن را آبادان و شاد سازد.^۲ بدین ترتیب، رسالت زرتشت و نیز ستایش او از موجودات (غیر انسان) به معنای نگهداری و نجات آنان از نابودی، فساد و آلودگی و خلاصه شاد ساختن آنها بود. از این رو، در *اوستا* آمده است که آب و گیاهان و جانوران از آمدن زرتشت شادمان شدند.^۳ بدین ترتیب انسان وظیفه دارد با راستی و منش نیک، جهان را که با نیروهای انگره مینویی به زشتی و پلیدی و بدی آلوده شده است، پاک کند. انسان با این مبارزه هم تمامی جهان و جهانیان را به سوی روشنایی راهبری می‌کند^۴ و هم خود رستگار می‌گردد. مزدا اهورا با شهریاری مینوی خویش آنچه از به بهتر است، بدان کس می‌بخشد که خواست وی را برآورد و در پایان گیتی آنچه را از بد بدتر است، به کسی می‌دهد که آبادانی جهان نکوشیده باشد.^۵

در این آیین هر زرتشتی موظف است تا مطابق با خواست زرتشت و اهورامزدا بر آبادی جهان، یعنی بر رامش و شادی آن بیفزاید. هر گونه آبادسازی جهان نیز مانند کاشتن درخت، جاری کردن آب، رساندن آبها به گیاهان و یا مراقبت از حیوانات نیز خود نوعی راستی ورزیدن و مبارزه با دروغ و بدی تلقی می‌شود.^۶ از سوی دیگر، آبادانی جهان به معنای مراقبت و حفظ آن در برابر هر نوع آلودگی نیز هست، زیرا بنا بر آموزه‌های گاتها آفریده‌های مزدا همه پاک و منزه‌اند و باید از آنها در برابر نیروهای اهریمنی که برای نابودی

۱. «گوشورون نزد شما گله گزارد: مرا برای چه آفریدی، که مرا ساخت؟ خشم و چپاول و تند خویی و گستاخی و دست یازی مرا یکسره در میان گرفته است، مرا جز تو پشت و پناه دیگری نیست. اینک رهاننده‌ای شایسته به من بنمای»، یسنه، هات ۲۹، بند ۱.

۲. همان، بند ۲-۸.

۳. فروردین یشت، کرده ۲۴، بند ۹۳.

۴. باید برای آبادانی جهان کوشید و آن را بدرستی نگاهبانی کرد و به سوی روشنایی برد. یسنه، هات ۴۸، بند ۵.

۵. یسنه، هات ۵۱، بند ۶.

۶. ونیداد، فرگرد سوم، بخش سوم، بند ۳۱.

جهان می‌کوشند و می‌خواهند تا دست ساختهٔ اهورا را آلوده کنند، مراقبت کرد. در نندیداد^۱ هر مؤمنی باید هنگام پاک کردن آب، خاک، گیاه و حیوان دعاهایی را بخوانند.^۲ پاکیزه نگاه داشتن آب، خاک و آتش و حتی فلزات از هرگونه چرک و بیماری و زنگ زدگی و پوسیدگی و کپک و تعفن از وظایف هر زرتشتی است. برای نمونه، فلز عنصری از آسمان تلقی می‌شود که باید فارغ از زنگ و لکه باشد.^۳

حفظ پاکیزگی و مبارزه با آلودگی‌ها فقط شامل امور بیرون از انسان و اشیاء مادی نیست و انسان با پاکسازی خود در جسم و روان (راستی و نیک خواهی) نیز در دفاع از آفرینش‌های نیک و رستگاری جهان مشارکت دارد.^۴ در حقیقت قوانینی که برای تطهیر (پاکسازی) در این آیین وضع شده است و بسیار اهمیت دارد، از این اعتقاد نشات می‌گیرد که گیتی صحنهٔ نبرد بی‌امان (در اندیشه و در جهان بیرون) میان نیکی (جنبهٔ معنوی) و پاکیزگی (جنبهٔ مادی) سپتتامینویی با بدی (جنبهٔ معنوی) و پلشتی (جنبهٔ مادی) انگره‌مینویی است. این اعتقاد که خود نتیجهٔ طبیعی پیوند میان جهان مادی (گیتی) و جهان مینوی و یا مادیات و معنویات در آموزه‌های زرتشت در گات‌هاست،^۵ به گونه‌ای پی‌گیر همهٔ افراد جامعه را در زندگانی روزمره عملاً درگیر مبارزه با انگره‌مینو و یا هر گونه آلودگی در هر شکل و صورتی می‌کند و این مبارزهٔ دائمی یکی از پایه‌های نیرومند تعالیم زرتشتی است. از اصول اعتقادی زرتشتیان، اعتقاد به امشاسپندان (بی‌مرگان مقدس و نیک)^۶ است. اینان صفات و فروزه‌های اهورامزدا هستند و هر کدام دارای مفهومی است که بخشی از

۱. نندیداد (وی دژو دات) به معنای آیین ضد دیو، این بخش از *اوستا* بیشتر به احکام فقهی (شامل مسائل بهداشتی و آیینی) می‌پردازد. نندیداد از نظر شناخت اسطوره‌ها و فرهنگ کهن ایرانی و بررسی تاریخی تحولات دین زرتشت بسیار نیز با ارزش است. نک: دوستخواه، جلیل، مقدمه بر *اوستا*، صص ۶۵۴-۶۵۵.

۲. نک: *اوستا*، ج ۲، نندیداد فرگرد یازدهم، کرده ۹-۱۰، صص ۷۹۲.

۳. نک: کتاب دینکرد پنجم، فصل ۱۹، بند ۱۹-۲۱.

۴. نک: *شایست ناشایست*، بخش ۷، صص ۸۹-۹۱؛ بخش ۲۰، صص ۲۴۴-۲۴۵؛ نیز نک. بویس، ص ۳۰۹.

۵. نک: یسنه، هات ۳۰، بند ۳-۱۱، صص ۱۴-۱۶.

۶. این واژه به معنی جاودانان پاک یا مقدسان بی‌مرگ و یا بی‌مرگان فزونی‌بخش است. اما در گات‌ها به واژه امشاسپند بر نمی‌خوریم. نام‌های امشاسپندان بدین قرار است: اندیشه و خرد نیک (وهومن یا بهمن)، راستی، و داد و قانون (اشه و هیسته/اردیبهشت)، نیروی پسندیدهٔ اهورایی (خشته یا شهریور)، مهر و مدارایی افزایشنده

عظمت خداوند را به آدمی می‌شناساند و با شناخت و پیروی از این مفاهیم می‌توان اهورامزدا را شناخت. به مرور، در متون متأخر/اوستا امشاسپندان از موجوداتی غیر مادی یا مینوی، مبدل به فرشتگان و ایزدانی شدند که به خداوند در زمین برای گسترش صلح و عدالت یاری می‌رسانند و دیگر صرفاً صفات انتزاعی اهورا مزدا نبودند.^۱ هرکدام مسؤولیت محافظت از چیزی را بر عهده دارند و دستیاران اهورا مزدا را در نگرهبانی از یکی از عناصر و یا پدیده‌های طبیعت یاری می‌کنند: کشت زمین سبب خوشنودی سپندارمذ می‌گردد که حافظ زمین و مطهر وفا، اطاعت، صلح و سازش است. کسی هم که درختان را قطع می‌کند، سبب ناخشنودی امشاسپند امرداد می‌گردد و کسی که آب دهان بر آب یا خاک می‌اندازد، به چهره اناهیتا و سپندارمذ آب می‌اندازد.^۲ به این ترتیب هر کس بی‌ادبی و بی‌مبالاتی نسبت به زمین، آب، خاک، آتش و فلز مرتکب شود، در واقع به یکی از امشاسپندان توهین می‌کند و در نتیجه زرتشتیان کسانی را که در حق عناصر طبیعی بی‌مبالاتی کنند، در صف اهریمن و گناهکاران می‌شناسند. شاید بتوان گفت که زرتشتیان بی‌تربیتی، بی‌ادبی و بی‌نزاکتی انسان را در مواردی با گناهکاری او یکی می‌انگاشتند.^۳

افزون بر این، احترام به آفرینش‌های نیک و امشاسپندان و ایزدان حامی آنها سبب می‌شود تا زرتشتیان دور انداختن اشیا را نیز گناه بشمارند.^۴ وقتی کسی می‌مرد، کهنه‌ترین لباس‌های او مناسب‌ترین جامه‌اوبود.^۵ چنین قوانینی زرتشتیان را می‌توانست به نوعی صرفه

(سپنتا آرمیتی/سپندارمزد/اسفندارمذ) رسایی (ه-آروتات/خرداد) و جاودانی (امرتات/ امرداد). نک. گات‌ها، پور

داود، صص ۶۹-۷۱، ۸۸-۹۶.

۱. هینلز، جان، ص ۱۳.

۲. یشت‌ها، مقدمه، پور داوود، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، ۱۳۵۶ش، ج ۱، صص ۹۴، ۹۵؛ نیز نک.

رضائی، رضا، آیین زیست در ایران، تهران، ۱۳۸۷ش، ص ۷۹.

۳. نک: زور، آر. سی، تعالیم مغان، گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران،

۱۳۷۷ش، صص ۱۲۲-۱۲۳.

۴. «براستی اهورا مزدا روا نمی‌دارد که ما هیچ چیز ارزشمندی را که می‌توانیم از آن بهره‌گیریم تباه کنیم، هر

چند همچند ریسمانی به سنگینی یک اسپرن (یک درهم) باشد، هر چند همچند ریسمانی باشد که دختری

هنگام نخ ریزی به دور می‌اندازد.» وندیداد، فرگرد پنجم، بخش هشتم، بند ۶۰.

۵. نک: وندیداد، فرگرد پنجم، بند ۶۰، ص ۷۱۷، پانوش ۳.

جویی سوق دهد، زیرا دور ریختن چیزهای مفید به معنای بی‌احترامی به یکی از عناصر و حامیان آنها و همچنین همدستی با اهریمن و دیوان است. شاید چنین عقایدی سبب رونق کشاورزی و باغداری و دامداری در ایران باستان شده بود. بنا به گفته مستشرقان ایرانیان کاریز و قنات و نیز سدهای بسیاری برای مهار آب ساخته بودند تا آب سیلاب‌ها را گردآوری کند و برای تابستان آب برای مردمان و گیاهان و حیوانات داشته باشند.^۱ همچنین مقرراتی مانند دقت در پاک نگه داشتن آبها، نریختن کثافات در کشتزار که گناه به شمار می‌آمد، سبب می‌شد تا جوامع زرتشتی تا حدی از بیماری‌های مسری جوامع دیگر نیز در امان بمانند.^۲

آبادانی زمین و اهمیت گیاهان

همان‌گونه که اشاره شد، آبادانی جهان از آبادانی زمین آغاز می‌شود و مراقبت از زمین در متون دینی زرتشتی منوط به شادمان ساختن زمین است. به نظر می‌رسد این اصل به نوعی مهم‌تر و یا کلی‌تر از دو اصل اخلاقی دیگر یعنی راستی و نیکوکاری است، زیرا راستی و نیکوکاری راه‌هایی بودند که انسان از آن طریق در آبادانی، یعنی حفظ آرامش و شادی جهان و جهانیان (مادی و مینوی) می‌کوشد و در نتیجه به پاداشی بزرگ در گیتی و مینو می‌رسد.^۳ بنا به آموزه‌های این کیش، بخشی از پیشرفت و یا آبادانی جهان از زمین آغاز می‌شود و منوط به شادمان ساختن زمین است. اصولاً شادمانی یکی از آرمان‌های زندگی زرتشتیان به شمار می‌آید و تنها به انسان اختصاص ندارد. این اصل مهمی است که غم و اندوه موافق میل انگره‌مینو، و شادی خواست اهورامزدا برای انسان و همه موجودات است.^۴ پس زندگی

۱. کج، هاید ماری، *از زبان داریوش*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ۱۳۷۹ش، صص ۳۱۱-۳۱۶؛ رضائی، رضا، صص ۲۵-۲۶.

۲. بویس، ص ۳۰۹.

۳. «بی‌گمان این پاداش را به تن و جان کسانی ارزانی می‌داری که با منش نیک کار می‌کنند و در پرتو اشته، آموزش خرد نیک ترا بدرستی به پیش می‌برند و خواست تو را برمی‌آورند و برای پیشرفت جهان می‌کوشند». *اوستا*، یسنه، هات ۳۴، بند ۱۴.

۴. عروج نیا، پروانه، «شادی در حکمت قدیم ایران و تأثیر آن در ایران اسلامی»، *پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی*، س ۹، ش ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۳-۳۹.

و حیات در این جهان برای همه موجودات، چه جاندار و یا موجوداتی که بی جان تلقی می‌شود، می‌باید همراه با شادی و آسایش باشد. از این رو زمین نیز شادی و ناشادی دارد^۱ و همان‌گونه که کردار نیک و راستی سبب شادمانی انسان است،^۲ بدکاری و دروغ نیز موجب ناشادی زمین می‌شود. در کنار این امور معنوی، برخی اسباب مادی نیز موجب شادی و ناشادی زمین و در نتیجه آبادانی و یا ویرانی آن می‌گردند.^۳ کارهای نیک دیگری نیز چون زدودن آفات از زمین‌های کشاورزی، کاشتن گیاه، میوه و غله، آسودن حیوانات در آغل‌ها و تهیه غذای کافی برای آنها و نیکی رساندن از طریق محصولات زمین به دیگران، زمین را شاد، و برخلاف اینها زمین را ناشاد می‌سازد.^۴

از مهم‌ترین عوامل ناشادی زمین، ریختن زباله‌ها بر زمین است. به نظر زرتشتیان، به‌ویژه بر اساس متون متأخر زرتشتی، زمین مادر گیتی و زندگی شمرده می‌شود و امشاسپند اسفندارمذ/ اسفند زمین و زن را تحت سرپرستی دارد.^۵ مردم برای آنکه امشاسپند اسفند را ناخشنود نسازند، نباید زباله روی زمین بریزند و پا برهنه راه بروند. آنها این کار را بسیار زشت می‌دانند، چون بر این باور بودند که پای برهنه اگر خونی شود، از طریق آن زمین آلوده خواهد شد و موجودات اهریمنی به نام خرفستران^۶ که بسیاری از آنها معمولاً از کثافات تغذیه می‌کنند، زیاد می‌شوند.^۷ پس هر نوع آلودگی‌ای اهریمنی و نامقدس است، و

۱. وندیداد، فرگرد سوم، بخش دوم، بندهای ۷-۱۳؛ مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، تهران، ۱۳۶۴ش، بخش ۵، صص ۱۷-۱۸. در مینوی خرد (بخش ۵۶، ص ۷۴) آمده است که خرد ورزی سبب شادمانی مردمان و ستوران گیاهان و زمین است.

۲. «تنها کردار نیک در پرتو اشته (راستی) مایه شادمانی خواهد شد». یسنه، هات ۳۴، بند ۱۳، ص ۳۵.

۳. «کیست آنکه زمین را بیشتر از همه شادکام می‌کند کسی که زمین را بخوبی کشت کند و آن را به اشونی (پیرو راستی و نیکی) بسپارد». وندیداد، فرگرد سوم، بخش ۳۴.

۴. وندیداد فرگرد سوم، بخش یکم، بند ۱-۶؛ نیز نک: همان، صص ۶۷۷-۶۸۳.

۵. جشن اسفندارمذ در ۵ اسفند جشن زنان بود و زنان از شوهرانشان هدیه می‌گرفتند (یشت‌ها، ج ۱، مقدمه پورداور، ص ۹۴).

۶. خرفسَتر واژه‌ای به زبان پهلوی است و به هر جانور یا حشره‌ای موذی که مضر و کثیف و خطرناک دانسته می‌شد، اطلاق می‌گردید.

۷. در وندیداد آمده است: هر کس به وسیله مردار آب و آتش را نجس کند، اسباب نیرومند کردن عنکبوت و ملخ‌ها، ایجاد خشکسالی‌ها و زمستان‌های پر برف هلاک‌کننده گاو و گوسفند را فراهم می‌آورد؛ وندیداد، ۲۷.

چنین وضعیتی دشمن باروری و زاینده‌گی زمین، و در نتیجه موجب ناشادی زمین و فرشته موکل آن خواهد شد.^۱

همچنین نمی‌باید زباله را سوزاند، زیرا این کار به منزله آلودن آتش و آسمان است.^۲ مردار نیز از بدترین زباله‌ها به شمار می‌آید، زیرا به عقیده آنها لحظه‌ای که روان بدن را ترک می‌گوید، دیوان به لاشه مرده (نسا) درمی‌آیند و آن را در اختیار می‌گیرند و آنگاه جسد تماماً تحت تصرف نیروهای اهریمنی است.^۳ از این رو گورها مهم‌ترین اسباب ناشادی زمین به شمار می‌آیند.^۴ به همین دلیل مردگان را باید در بالای کوه‌های سنگی و در استودانهای سنگی و آهکی دور از دسترس درندگان می‌گذاشتند تا درندگان پیکر آنان را به سوی زمین‌های کشاورزی و آب نبرند.^۵ آنان پاک نمودن زمین‌های کشاورزی را از استخوان مردگان چه انسان و چه جانوران کاری ستوده می‌دانند. به طور کلی زمینی که سگان یا مردمان بر آن مرده باشند، حتی پس از پاک‌سازی نباید تا یک‌سال کشت شود، تا در این مدت با نور خورشید پاکیزه گردد.^۶ در تعالیم زرتشتی شیون و ناله و غمگساری شدید برای مردگان نیز موجب ناشادی زمین است.^۷

فرگرد هفتم، بخش پنجم، بند ۲۵-۷. نیز نک. ارداویراف نامه، متن انتقادی پهلوی، ویراسته دستور جاماسب جی جاماسب آسا با مقدمه کتیون مزداپور، تهران، توس، ۱۳۸۲ش، صص ۲۵-۲۷. همچنین این باور وجود دارد که از اجزای جدا شده از انسان و حیوان مانند ناخن و مو و پوست موجودی اهریمنی به نام دروج پدید می‌آید که خود سبب ازدیاد خرفستران می‌گردد.

۱. یشت‌ها، ج ۱، مقدمه ابراهیم پورداوود، ص ۹۴؛ رضائی، رضا، صص ۱۱۷-۱۱۸.

۲. کتاب پنجم دینکرد، آوانویسی، ترجمه و تعلیقات واژه‌نامه متن پهلوی، ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، ۱۳۸۶ش، فصل ۱۹، ص ۶۸.

۳. از این رو زرتشتیان زباله‌هایشان را در اتاقی کوچک به نام لرد *lard* می‌ریختند که تنها روزنه‌ای به مانند لوله بخاری در سقف مسطح آن وجود داشت. وقتی اتاقک به قدر کافی پر می‌شد اسید غلیظ روی آن می‌ریختند تا زباله از این طریق از بین برود. وندیداد، فرگرد هشتم، کرده ۱۰۳.

۴. وندیداد، فرگرد سوم، بخش دوم، بند ۷-۱۱.

۵. وندیداد، فرگرد ششم، بخش پنجم، کرده ۴۶، ۴۹-۵۰.

۶. وندیداد، فرگرد ششم، بخش یکم، کرده ۱-۳.

۷. وندیداد، فرگرد سوم، بخش دوم، بند ۱۱. مینوی خرد، بخش ۴-۵، صص ۱۸-۱۹.

در آیین زرتشت که به آبادی زمین اهمیت داده می‌شود، طبیعتاً آب نقش مهمی دارد و از این رو، در *اوستا* آبها مکرر ستایش شده‌اند: «همه آبهای روی زمین را می‌ستاییم، خواه ایستاده، خواه روان، خواه چشمه، خواه رود، خواه آب برف و باران را».^۱ ستایش آب نیز به خاطر اهمیت خود آب نیست، بلکه نتیجه آن، یعنی آبادانی زمین اهمیت داشت. از این رو، در *اوستا* ستایش آب و گیاه در کنار ستایش زمین و آبادانی آن آمده است و در غالب ستایش‌هایی هم که از آب شده، ستایش گیاه نیز آمده است: «همه آبهای مزدا آفریده و همه گیاهان مزدا آفریده را ستایش و نیایش و خوشنودی و آفرین».^۲

مزدایرستان همچنین وظیفه دارند که در صورت دیدن چیزهای آلوده، به‌ویژه دیدن مردار در آب، آن را پاک کنند. بی‌اعتنایی به مرداری که در آب افتاده است، پادافره و کیفر سختی داشت. بنابراین هر گاه مزدا پرستی «دونده یا سوارنده» به مرداری در آب روان برمی‌خورد، (باید کفش و جامه از تن برگیرد، به درون آبی تا قوزک پا تا زانو تا کمر تا بالای آدمی فرو رود تا بدان مردار برسد، حتی اگر مردار در حال پوسیدن و از هم پاشیدن باشد، تا جایی که می‌تواند تکه‌های مردار را با دو دست خویش برگیرد و از آب بیرون آورد و بر زمین خشک فرو گذارد».^۳

کشتن جانوران در نزدیک آب و گیاه نیز ناشایست است، زیرا نباید چیزی از لاشه مردار درون آب راه بیابد.^۴ بعدها نیز که رسم قربانی کردن -که زرتشت آن را نهی کرده بود- در این آیین برای خود جایی یافت، باز هم سعی می‌کردند که فدیة در کنار رودخانه انجام نگیرد. محل کشتن جانوران باید بی‌آب‌ترین، بی‌درخت‌ترین و خشک‌ترین جاها، دور

۱. یسنه، هات ۶۸، بند ۶.

۲. یسنه، هات ۴، بند ۱۷.

۳. به هر روی، ستایش آب برای ایرانیان به مانند ستایش‌های دیگر، به معنای نگهبانی آب در برابر آلودگی است و نتیجه چنین ستایشی حفظ حیات و شادمانی انسان و جانوران و به طور کلی آبادانی جهان است. در حقیقت مطلقاً به آب جاری دست نمی‌زدند، مگر برای نوشیدن و یا به گیاه آب دادن. مقررات سختی نیز درباره افکندن مردار و لاشه، آب دهان، مو، ناخن، ادار، مدفوع در آب وضع شده بود. وندیداد، فرگرد ششم، بند ۲۷-۳۰؛ همان، فرگرد ششم، بند ۲۶-۲۷.

۴. نک: وندیداد، فرگرد ششم، بندهای ۲۶-۴۱، بندهای ۷۲۳-۷۲۶.

از خانه و برکه باشد^۱ و این دقیقاً بر خلاف وضعیت کشتارگاه‌های کنونی است که همگی نزدیک رودخانه‌ها و از آلوده کننده‌های مهم آبها هستند.

مراقبت از حیوانات و جانوران

اقوام آریایی برای ستایش برخی پدیده‌ها و عناصر طبیعی به قربانی کردن حیوانات برای جلب رضایت مقدسانی می‌پرداختند که در حکم ایزدان و خدایان آنان بودند.^۲ یشت‌ها از رسم قربانی‌های خونین خبر می‌دهد. در چنین شرایطی بنا به گفتهٔ اوستا، زرتشت که گویا از خاندان آتربان (نگهبان آتش) بود،^۳ برای رهایی «روان گوشوروان» برخاست تا این آیین را اصلاح کند. زرتشت در سرودهایش کاهنان و پیروان این آیین را که برای خوشنودی ایزدان جانوران را با خروش و شادمانی قربانی می‌کردند، فریب‌کار، تباه‌کنندهٔ زندگی و دوستان دیوان خواند. او قربانی‌های آنان را دور از خرد و ناروا دانست.^۴ در فروردین‌یشت می‌خوانیم که آب و گیاهان و جانوران از آمدن زرتشت شادمان شدند و بالیدند و همهٔ آفریدگان به خود مژدهٔ رستگاری دادند.^۵

پس از زرتشت، به تدریج دعوت وی به حفاظت از پدیده‌های طبیعی، در متون متأخر زرتشتی به عنوان امشاسپندان یا ایزدان حافظ آب، خاک، آتش و حیوان پدیدار شدند. امشاسپند امرداد حامی گله و کشتزار، و وهومن، خرد نیک، -که زرتشت به یاری آن با کاهنان و شهریاران قربانی کننده چهارپایان مبارزه کرده بود- در متون متأخر زرتشتی تبدیل به بهمن امشاسپند نگهبان جانوران شد.^۶ بدین ترتیب امشاسپند بهمن دوست نمی‌داشت حیوانات جز برای نیاز تن کشته شوند و تا وقتی جانور ماده پیر و یا بیمار نشود، باید از

۱. وندیداد، فرگردنهم، بند ۳؛ فرگرد ۳، بند ۱۵.

۲. رسم قربانی کردن مربوط به دورهٔ هند و ایرانی و آیین پیش از زرتشت است. نک: بویس، صص ۱۵۰-۱۵۱، ۱۴۷.

۳. در فروردین‌یشت زرتشت آتربان معرفی می‌شود و می‌گوید خوشا به روزگار ما اینک آتربانی زاده شد سپیتمان زرتشت! فروردین‌یشت، کرده ۲۴، بند ۹۴.

۴. یسنه، هات ۳۲، بند ۱۲.

۵. همانجا، بند ۹۳؛ نیز نک: رضائی، رضا، ص ۲۴.

۶. هفتن یشت کوچک، بند ۱، ۶، ۸؛ برای بهمن نک: یشت‌ها، ج ۱، پور داود، صص ۸۸-۹۰.

کشتن او پرهیز می‌شد.^۱ حتی به نظر می‌رسد که آیین زرتشت به جای گوشت‌خواری به نحوی گیاه‌خواری را نیز توصیه می‌کرد. در دینکرد آمده است:

«اینان این نیز گفته‌اند که گیاه خورش باشید تا زندگی شما مردان دراز شود. از تن گوسفندان بپرهیزید، چه که حساب آن بسیار است. از این رو، اهرمزد خدا برای یاری گوسفندان گیاهان بسیاری آفرید.»^۳ توصیه‌هایی که در برخی متون حکمی پهلوی مبنی بر گیاه‌خواری وجود دارد، برخاسته از چنین مضامینی در *اوستا* و کتاب‌های فقهی مرتبط با آن است.^۴

از آنجا که هر زرتشتی وظیفه دارد جهان را به سوی آبادانی و شادی برد، کشتن بره و یا گوساله، و حتی قطع نهال از گناهان بزرگ به شمار می‌آید. اصولاً باید هر گیاه و یا حیوان سودمند را یاری کرد تا به حد کمال خود برسد، زیرا او توفیق می‌یابد تا در مبارزه با اهریمن شرکت جوید و بدین ترتیب با رشد خود به بقای عالم و آبادانی جهان کمک کند. به همین سبب روان جانوران زمینی و آبی، پرندگان، چرندگان و حتی فره‌وشی همه این جانوران ستوده می‌شود. حتی در *اوستا* ستایش روان جانوران در کنار^۵ و یا درست همراه با ستایش روان مردان و زنان پاکدامنی است که برای پیروزی راستی می‌جنگند.^۶ وظیفه مزدپرست این است که در مبارزه با اهریمن حیوانات را یاری دهد:

۱. رضائی، رضا، ص ۵۹.

۲. دینگرت بزرگ‌ترین کتاب و متن پهلوی که تاکنون باقی مانده است که از سوی آذرفرنبغ و عده‌ای دیگر در سده سوم هجری جمع‌آوری و نوشته شد. مضمون دینکرد در اصول عقاید زرتشتی و مباحثات و پاسخ به پرسش‌های دینی است. نک: دوستخواه، جلیل، پیوست *اوستا*، ص ۹۸۷.

۳. قادری، تیمور، *با دانایان ایران باستان*، تهران، ۱۳۸۷ش، دینکر ششم، متن ۲۲۴، ص ۱۶۲.

۴. *آذرباد مهرسپندان، پرتوی نو بر زندگی و برخی از کارهایش*، به کوشش رهام اشه، تهران، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱۰؛ «از خوردن گوشت گاو و گوسفندان سخت پرهیز کنید، چه این جای و آن جای آمار سخت تان باشد. چه مردی که گوشت گاو و گوسفند خورده است دست اندر گناه دارد، گناهی که اندیشد گوید و کند اگر مرغچه‌ای خورده است. باز دست اندر گناه دارد اگر به جای دیگر مردی اشتری بکشد و کسی بخورد چنان است که آن اشتر به دست خویش کشته است»، همان، ص ۲۸۵.

۵. فروردین یشت، کرده ۲۴، بند ۷۴-۷۸.

۶. «این چنین می‌ستاییم گوش‌ورون، گوش‌تشن (نگاهبانان چارپایان) و روان‌های خودمان و روان‌های چارپایان را که مایه زندگی هستند، که ما برای آنها هستیم و آنها برای ما. روان‌های جانوران سودمند دشتی را می‌ستاییم.

«این خویشکاری (وظیفه) هر اشون مردی است که هر مادینه بارداری را- خواه دو پا، خواه چار پا، خواه زن (انسان)، خواه ماده سگ- نگاهدار باشد. اگر زمان زایمان فرا رسد، کسی که خانه‌اش به زایشگاه سگ نزدیک‌تر است، باید آنچه را برای نگاهداری از وی بایسته است فراهم آورد و تا هنگام زادن و بالیدن توله سگ‌ها از آنها نگاهداری کند. اگر برای سرباز زدن از نگاهداری شایسته بر توله‌ها گزندی رسد، پادفره گناه کشتن آگاهانه بر او رواست»^۱.

از این رو، روان شبانان که چهار پایان را در رساندن به جفت یاری می‌کنند و آنان را از سرما و گرمای سخت، دزد، گرگ و آدم‌های بد پاس می‌دارند، ستایش می‌شود. از سوی دیگر، «اگر کسی از دادن جای گرم و یا غذای خوب حتی به سگ ولگرد دریغ ورزد، مانند کسی گناه دارد که به آتربانی (نگاهبان آتش) اشون که به خانه‌اش بیاید، خوراک بد بدهد و آنکه به توله حیوانی غذای بد بدهد، مانند کسی است که به نوجوانی اشون زاده (پاک) و به پانزده سالگی رسیده، خوراک بد بدهد»^۲. یک دیندار همچنین موظف است تا از حیوانات بیمار حتی سگ‌ها مراقبت کند، همان‌گونه که از پرهیزکاران مراقبت می‌کند.^۳ با توجه به پاداشی که نگاهبانی حیوانات دارد، «دانایان و نادانان و فرمانروایان و فرمانبران» تشویق می‌شوند که تا وسایل آسایش و راحتی حیوانات را نیز فراهم کنند.^۴

گفته می‌شود که در دفتری گمشده از *اوستا* بخشی وجود داشت که درباره حقوق حیوانات در آن توصیه‌هایی آمده بود.^۵ مطالبی همچون پاداش برای غذا دادن به حیوانات و یا مجازات‌هایی که برای ترساندن و زدن و کشتن و یا غذای بد دادن به حیوانات در

اینک روان‌های اشون مردان و زنان- در هر کجا که زاده شده باشند- می‌ستاییم مردان و زنانی که برای پیروزی اشته (راستی) می‌کوشند و خواهد کوشید»، یسنه، هات ۳۹، بند ۲؛ قس: یسنا، بخش دوم، بخشی از نامه مینوی اوستا، گزارش پورداوود، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، ۱۳۵۶ش، گزارش پور داود، ص ۳۸.

۱. نک: وندیداد، فرگرد ۱۵، کرده ۱۹-۲۲.

۲. وندیداد، فرگرد ۱۳، کرده ۲۰-۲۵.

۳. وندیداد، فرگرد ۱۳، کرده ۳۵-۳۶.

۴. یسنا، بخش دوم، هفت هات، هات ۳۵، بند ۴؛ قس: *اوستا*، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه،

تهران، ۱۳۷۴ش، هفت هات، هات ۳۵، بند ۴.

۵. رضائی، رضا، ص ۸۲.

کتاب‌هایی همچون *وندیداد* آمده شاهدهی است بر حقوقی که آنان برای حیوانات قائل بودند:^۱

«هر کس سگ گله و سگ خانگی و سگ ولگرد و سگ پرورده‌ای (شکاری) را بزند و بکشد، روان او هنگام رفتن به جهان دیگر با شیونی بلندتر از شیون گوسفندی که گرگی در جنگلی بزرگ بدو شبیخون زند، پرواز کند. هیچ روانی در جهان دیگر با روان جدا شده او دیدار نکند و در برابر زوزه، و شبیخون به وی یاری نرساند».^۲

برخی از این مجازات‌ها بسیار سنگین بود و در بردارنده مواردی می‌شد که دقیقاً به جبران نابودی طبیعت وضع شده بود. برای نمونه، از جمله کارهایی که به جبران کشتن سگ آبی باید انجام می‌شد، آن بود که فرد گناهکار آب جوی به مزرعه برزگری برساند، آغل بسازد، استبلی ویران را آباد کند، تعدادی بچه سگ پروراند و سگی بیمار و کثیف را تیمار کند و از آلودگی پاک سازد.^۳

اندرزنامه‌های پهلوی نیز مؤید وجود قوانینی در دفاع از حقوق حیوانات است. در «اندرز کودکان» که اندرزنامه‌ای به زبان پهلوی است، آمده است: «یکی درود و اندرز نیک همی کنم به شما کودکان که چون از هیریدستان بروید، در راه راست (به سوی خانه) روید، و سگ و مرغ و ستور را پس نزنید و میازارید».^۴

البته کشتن برخی حیوانات یعنی خرفستر/خرفستار در آیین زرتشت نه تنها جایز، بلکه واجب بود و پاداش بسیار هم داشت. هر کس موظف بود برای گناه عمدی و یا غیر عمدی علاوه بر انجام کار نیک، خرفستر بکشد و در حین این کار بگوید: برای پاک کردن گناهانم و برای کسب فضیلت و دوستی روانم خرفستار می‌کشم.

۱. وندیداد، فرگرد ۱۳، بند ۸-۲۹.

۲. وندیداد، فرگرد ۱۳، کرده ۸-۹؛ برای اطلاع بیشتر نک: وندیداد، فرگرد ۱۳، کرده ۱۰؛ کرده ۱۶؛ فرگرد ۱۳، کرده ۱۶؛ فرگرد ۱۳، بخش چهارم، بند ۲۰؛ فرگرد ۱۳، بخش پنجم، بند ۲۹.

۳. وندیداد، فرگرد ۱۳، کرده ۱-۱۶.

۴. مزدا پور، کتابیون، «اندرز کودکان»، چیستا، س ۶، ش ۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸، ص ۴۹۰.

نتیجه

جهان در نگاه آیین زرتشت دارای روانی است که همچون انسانی که در آن می‌زید، خواستار شادی و آسایش است و این آسایش و شادمانی را در گیتی با آبادسازی خود و زدوده شدن از آلودگی‌ها می‌جوید و به سبب پاکسازی خود نیز می‌تواند به عالم پاک (سپتامنو) بیوندد و شادمانی و آرامش و آسایش جاودانی داشته باشد. انسان نیز همچون زرتشت پیمان بسته و برانگیخته شده است تا خواست اهورامزدا را برای پاک کردن جهان از همه نیروهای اهریمنی و به تعبیر دیگر آبادانی آن محقق سازد و با آبادانی جهان، خود نیز شادمانی، آرامش و آسایش در گیتی و مینو را به ارمغان برد. راه آبادانی جهان نیز کشت و کار بر روی زمین، مراقبت از گیاه و آب و حیوانات است.

در این دیدگاه هر آنچه امروزه آلودگی تلقی می‌گردد، به منزله موجودات اهریمنی با حساسیتی خاص باید از طبیعت زدوده شود. البته این آیین گاه در تعیین مصداق موجود اهریمنی به واسطه نگاه سنتی به خطا می‌رفت، اما به هر روی بسیاری از آلودگی‌ها را برای حفظ شادی زمین، آب و گیاه و حیوان دور و یا حذف می‌کرد. این مبارزه بی‌امان و هر روزی که خویشکاری هر زرتشتی برای مبارزه با انگره‌مینو در بیرون از خود به شمار می‌آمد، گاهی سبب می‌شد تا زرتشتیان رفتاری مشابه مردم امروزی در برابر میکروب‌ها را در برابر هر نوع آلودگی داشته باشند. بدین ترتیب پیروان این آیین رعایت مقررات زیست محیطی را ثواب، و بی‌مبالاتی و بی‌نزاکتی در برابر حفظ طبیعت و حیات وحش را گناه تلقی می‌کردند و برای جبران گناه نیز باید بکوشند خرابی‌ها و ویرانی‌ها را آباد کنند و هر چه اهریمنی و یا آلوده است، از بین ببرند. از سوی دیگر، آنان نباید از جهان درون خود نیز غفلت کنند، زیرا روان جهان از ناراستی و بد خواهی نیز می‌رنجد و ناشاد می‌شود.

به این ترتیب، در دین زرتشتی می‌توان کوشش در حفظ طبیعت را جزو اهداف و وظایف دینی دینداران به شمار آورد، بدین گونه که مزدیسنان در درون خود برای راستی و نیک خواهی، و در جهان بیرون برای آبادی و پاکسازی آن باید بکوشند تا به رستگاری در گیتی و مینو نائل شوند. نتیجه این تأکید بر آبادانی جهان، مراقبت از آب، گیاهان و حیوانات این امر است که پیامد عمل فرد دیندار به این مقررات و احکام دینی، حفظ محیط زیست است. به طور کلی، در بسیاری از سنت‌های کهن دینی می‌توان نشانه‌هایی از اهمیت

طبیعت، تقدس عناصر طبیعی، توجه به آنها و اهمیت ویژه‌ای که بدانها داده می‌شود سراغ گرفت. اما با توجه به بسترهای متفاوت فکری و نظری این سنت‌ها، باید توجه داشت که این تأکید و پیامدهای آن را با تأمل در جنبه‌های مختلف بحث می‌توان ذیل مسأله امروزی محیط زیست که ناشی از بحران‌های کاملاً جدید است مطرح کرد.

منابع

- آذر باد مهرسپندان، پرتوی نو بر زندگی و برخی از کارهایش، به کوشش رهام اشه، تهران، ۱۳۸۲ش.
- ارداویراف نامه، متن انتقادی پهلوی، ویراسته دستور جاماسپ جی جاماسب آسا با مقدمه کتایون مزداپور، تهران، ۱۳۸۲ش.
- اوستا، کهن‌ترین سرودها و متنهای ایرانی، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، ۱۳۷۴ش.
- پورداوود، ابراهیم، یسنا، بمبئی، ۱۹۳۸م.
- رضائی، رضا، آیین زیست در ایران، تهران، ۱۳۸۷ش.
- زهر، آر. سی، تعالیم مغان، گفتاری چند در معتقدات زرتشتیان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۷۷ش.
- شایست ناشایست متنی به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی) آوا نویسی و ترجمه کتایون مزدا پور موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹ش.
- عروج نیا، پروانه، «شادی در حکمت قدیم ایران و تاثیر آن در ایران اسلامی»، پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی، س ۹، ش ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش.
- فرنبغدادگی، بندهشن، ترجمه مهردادبهار، انتشاراتتوس، تهران، ۱۳۶۹ش.
- قادری، تیمور، با دانیان ایران باستان، تهران، ۱۳۸۷ش.
- کتاب پنجم دینکرد، آوانویسی، ترجمه، تعلیقات واژه نامه متن پهلوی، ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، ۱۳۸۶ش.
- کامستوک، گری ال، «خداباوری و اخلاق زیست محیطی»، ترجمه انشاء الله رحمتی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۲۵، فروردین ۱۳۸۷.
- کخ، هاید ماری، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- کوزر، لویس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ۱۳۸۰ش.
- گاتها، کهن ترین بخش اوستا، ابه گزارش براهیم پور داوود، چاپ اول، اساطیر، تهران، ۱۳۷۸ش.
- گرین، رونالد. م، اخلاق و دین، در: فرهنگ و دین، ترجمه صادق لاریجانی، ویراسته میرچا الیاده، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۴ش.
- گودرزی، محسن، نامه فرهنگ، بهار ۱۳۷۰، شماره ۳.

- لئوپولد، آلدو، زیست بوم محوری: اخلاق زمین در اخلاق زیست محیطی، ویراستار، لوئی پ. پوپمان، ترجمه محمد قاند، تهران، ۱۳۸۴ش.
- محقق داماد، مصطفی، الهیات محیط زیست، نامه فرهنگستان علوم، سال ۶، شماره ۳۰، ۱۳۸۰ش.
- مزدا پور، کتابون، «اندرز کودکان»، چیستا، س ۶، ش ۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸ش.
- مینوی نخرد، ترجمه احمد تفضلی، چاپ دوم، نشر توس، تهران، ۱۳۶۴ش.
- نصر، سیدحسین، «دین و بحران محیط زیستی»، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، نقد و نظر، شماره یک و دو، سال پنجم، زمستان و بهار ۷۷-۷۸.
- ویلم، ژان پل، جامعه شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر علم، تهران، ۱۳۶۸ش.
- سینا، بخش دوم، بخشی از نامه مینوی اوستا، گزارش پورداود، به کوشش بهرام فره وش، تهران، ۱۳۵۶ش.
- یشتها، پور داود، به کوشش بهرام فره وش، تهران، ۱۳۵۶ش.
- همیلتون، ملکم، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تیان، تهران، ۱۳۷۷ش.
- هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، ۱۳۶۸ش.
- Arianism, P., "Anthropocentrism with a Human Face", *Ecological Economics*, vol. 24, 1998.
- Mary Boyce, *A History of Zoroastrianism*, vol.1, Leiden/koln: E.J.Brill, 1975.
- Gillespie, A., *International Environmental Law Policy and Ethics*, Oxford, 1997.
- John R. Hinnells, *Persian Mythology*, The Hamlyn Publishing Group, London, 1975.
- C.G., Jung, *Modern Man in Search of a Soul*, translated by W.S. Dell and Carry F. Baynes, Routledge, London and New York, 2001.
- Mohaghegh Damad, M., *A Discourse on Nature and Environment from an Islamic Perspective*, Dep, Of Environment Tehran, 2000.
- Tanner, R., and Mitchell, C., *Religion and the Environment*, London, 2002.
- Tucker, M. E., and Grim, J., "Religions of the World and Ecology", *Earth Ethics*, no.1, Fall, 1998.
- White, L., "The Historical Roots of our Ecological Crisis", *Science*, 1967, 155, 1203-1207.
- White, R.A., A Baha'i Perspective on an Ecologically Sustainable Society, In M. E. Tucker & J. A. Grim (Eds.), *Worldviews and ecology* (pp.96-112). Maryknoll, NY: Orbis Books, 1994.